

## پیشگفتار

آشنایی با قواعد زبان مادری لازمه فرایند یادگیری زبانهای خارجی است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل خطاهای نوشتاری و گفتاری زبان آموزان همواره به وضوح نشان می‌دهد که مسئله تداخل زبان مادری در امر یادگیری زبان دوم، یکی از موانع عمده بر سر راه آموزش زبان است. بی‌شک چنانچه هر زبان آموزی به موارد تشابه و اختلاف میان قواعد دو زبان بیشتر وقوف یابد، گذشته از ارتکاب خطاهای کمتر، از انگیزه و سرعت بالاتری در روند یادگیری برخوردار می‌شود.

تجربه بسیاری از مدرسان نیز گواه این واقعیت است که اگر زبان آموز قواعد دستوری زبان مادری خود را خوب بشناسد، قواعد زبان دوم را بهتر و راحت‌تر درک می‌کند و پیشرفت محسوس‌تری نسبت به کسانی که فقط به فراگیری قواعد دستوری زبان دوم اکتفا می‌کنند، خواهد داشت. برای مثال، اگر زبان آموزی نداند یا فراموش کرده باشد که افعال دو وجهی در زبان فارسی کدامها هستند و چه کارکردی در جمله دارند، چه بسا نتواند به سهولت بر افعال دو وجهی زبان فرانسه احاطه یابد و در نتیجه دچار سردرگمی می‌شود.

امروزه کتابهای فراوانی درباره دستور زبان فرانسه و دستور زبان فارسی در دسترس علاقه‌مندان است؛ با این همه، جای کتاب ویژه‌ای که به مقایسه مقوله‌های دستوری این دو زبان پردازد و موارد تشابه و اختلاف را برجسته سازد، خالی به نظر می‌رسید.

در این کتاب که در واقع با هدف تأمین منبع اصلی دروس «بررسی مقایسه‌ای دستور زبانهای فرانسه و فارسی» در مقطع کارشناسی ارشد و «گرامر و دیکته (۴)» در

مقطع کارشناسی تدوین گردیده، مهم‌ترین مقوله‌های دستوری دو زبان فرانسه و فارسی، در نه فصل مستقل، به زبان ساده مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. در هر فصل برای کاستن از تعریفات و توضیحات اضافی، کوشش شده است با ذکر مثالهای گوناگون از هر دو زبان، موضوع مورد نظر به روشنی بیان شود. تمرینهای پایان هر فصل نیز به دانشجویان کمک خواهد کرد که با ارزیابی توانایی خود، در جهت رفع مشکلات باقیمانده تلاش نمایند.

در پایان ذکر این نکته ضروری می‌نماید که ترجمه فرانسه مثالهای فارسی که متعلق به مترجمان مختلف است، در بعضی از موارد الزاماً نباید به منزله بهترین ترجمه تلقی شود.

محمدجواد کمالی

<http://kamali.mshdiau.ac.ir>

## مقدمه

نظر به اینکه موضوع اصلی این کتاب مقایسه میان دو دستور زبان فرانسه و فارسی است، بی‌مناسبت نخواهد بود که بخش مقدمه را به بررسی اجمالی پیشینه دستورنویسی در کشورهای فرانسه و ایران اختصاص دهیم.

سابقه دستورنویسی در کشور فرانسه به قرنهای شانزدهم و هفدهم میلادی برمی‌گردد. کلود فاور دو وژلا<sup>۱</sup> نخستین کتاب دستور زبان فرانسه را تحت حمایت ریشلیو<sup>۲</sup>، صدراعظم وقت، با عنوان *ملاحظات در باب زبان فرانسه، سودمند برای آنانی که می‌خواهند نیک سخن بگویند و نیک بنویسند*<sup>۳</sup> در ۱۶۴۷ منتشر کرد. ولی دکارت و فیلسوفانی مانند او به مخالفت با تدوین دستور زبان به روال معمول پرداختند. آنها چون همه چیز را با ترازوی عقل می‌سنجیدند، کوشیدند که قواعد دستوری را مطابق با موازین عقلی و به صورت فرمولهای ریاضی وضع کنند، اما در نهایت توفیقی نیافتند.

در قرن هجدهم، کار دستورنویسی به کوشش افرادی نظیر فرانسوا اوربن دومرگ<sup>۴</sup> ادامه یافت و تا آنجا پیش رفت که در سالهای آغازین انقلاب کبیر، تدریس دستور زبان فرانسه در مدارس این کشور معمول گشت. در نیمه نخست قرن نوزدهم، مباحث دستوری وسعت بیشتری یافت و دستورنویسانی مانند شارل پیر

---

1. Claude Favre de Vaugelas (1585-1650)

2. Richelieu

3. *Remarques sur la langue française, utiles à ceux qui veulent bien parler et bien écrire*

4. François-Urbain Domergue (1745-1810)

شاپسال<sup>۱</sup> در آثارشان به دو مقوله صرف (مطالعه ساختمان واژه) و نحو (مطالعه ساختمان جمله) بیش از پیش پرداختند. در همین ایام، ژان شارل لاو<sup>۲</sup> به تدوین اولین فرهنگ مستدل مشکلات دستوری و ادبی زبان فرانسه<sup>۳</sup> (۱۸۲۲) همت گمارد. کتاب دستور زبان ملی<sup>۴</sup> (۱۸۳۴)، اثر برادران بشرل<sup>۵</sup>، نیز در طول قرن نوزدهم بارها تجدید چاپ شد.

در قرن بیستم، انتشار کتابهای دستور زبان فرانسه اعم از درسی و غیردرسی رشد چشمگیری یافت. مجموعه چهار جلدی دوره دستور زبان<sup>۶</sup> تألیف کلود اوژه<sup>۷</sup> با تیراژ میلیونی، تا نیمه قرن کتاب درسی چندین نسل این کشور بود. در نیمه دوم قرن، دستور زبان فرانسه به تأثیر از علم زبان‌شناسی کاملاً متحول شد و به شاخه‌های گوناگون نظیر ساختاری<sup>۸</sup>، توصیفی<sup>۹</sup>، تجویزی<sup>۱۰</sup> و زایشی - گشتاری<sup>۱۱</sup> تقسیم گردید و چهره‌های سرشناس فرانسوی و بلژیکی مانند گاستون موژه<sup>۱۲</sup>، آلبر دوزا<sup>۱۳</sup>، موریس گرویس<sup>۱۴</sup>، روبر لئون واگنر<sup>۱۵</sup>، ژان دوبوا<sup>۱۶</sup>، هانری بونار<sup>۱۷</sup>، پیر لوگوفیک<sup>۱۸</sup> و آندره گوس<sup>۱۹</sup> هر یک با آثار و دیدگاههای خاص خود، قدم به این عرصه نهادند.

\* \* \*

ایرانیان در قرنهای پیشین، با اینکه به صرف و نحو زبان عربی بیشتر از زبان مادری

1. Charles-Pierre Chapsal (1787-1858)
2. Jean-Charles Laveaux (1749-1827)
3. *Dictionnaire raisonné des difficultés grammaticales et littéraires de la langue française*
4. *Grammaire nationale*
5. Louis-Nicolas Bescherelle (1802-1883), Henri-Honoré Bescherelle (1804-1887)
6. *Cours de grammaire*
7. Claude Augé (1854-1924)
8. *grammaire structurelle*
9. *grammaire descriptive*
10. *grammaire normative (prescriptive)*
11. *grammaire générative et transformationnelle*
12. Gaston Mauger (1878-1954)
13. Albert Dauzat (1877-1955)
14. Maurice Grevisse (1895-1980)
15. Robert-Léon Wagner (1905-1982)
16. Jean Dubois
17. Henri Bonnard
18. Pierre Le Goffic
19. André Goosse

توجه داشتند، کتابهایی را نیز در فاصله قرن هفتم تا سیزدهم هجری قمری در خصوص قواعد زبان فارسی تألیف کردند؛ از جمله: قواعد صرف و نحو فارسی از میرزا عبد الکریم بن ابی القاسم ایروانی (۱۲۳۷-۱۲۹۴ هـ.ق)، رساله صرف و نحو از محمد کریم خان کرمانی (تولد ۱۲۵۵ هـ.ق)، تنبیه الصبیان از میرزا حسین خان مسعود انصاری (۱۲۵۹-۱۳۱۱ هـ.ق) و لسان العجم از میرزا حسن طالقانی. البته این آثار به نوعی تقلید و ترجمه قواعد عربی بود و به ساختار خاص زبان فارسی نپرداخته بودند. اولین کتابهای واقعی دستور زبان فارسی در ورای مرزها و توسط برخی از اروپاییان یا تنی چند از ایرانیان مقیم خارج از کشور تألیف گردید. نیاز روزافزون کشورهای بزرگ اروپایی به آشنایی با تاریخ، فرهنگ و ادبیات غنی ایران زمین (و تا حدودی نیز هندوستان)، سبب توجه دولتمردان و خاورشناسان غربی به زبان فارسی شد. در فرانسه، از نیمه دوم قرن هفدهم به این سو، آموزش زبان فارسی در مدرسه زبانهای شرقی پاریس در کنار زبانهای عربی و ترکی جدی گرفته شد. از میان اروپاییانی که از گذشته تا حال در این زمینه تلاشهایی کرده‌اند و رساله‌هایی به زبان فرانسه، عمدتاً با عنوانهایی چون «گرامر فارسی» یا «دیالوگهای فارسی» منتشر نموده‌اند، می‌توان از ویلیام جونز<sup>۱</sup> در ۱۷۷۲، گارسن دو تاسی در ۱۸۴۵، الکساندر خوجکو<sup>۲</sup> در ۱۸۵۲، ژان باتیست نیکلا<sup>۳</sup> در ۱۸۶۹، کازیمیرسکی<sup>۴</sup> در ۱۸۸۲، شارل هانری شِفِر<sup>۵</sup> در ۱۸۸۳، آنتوان میه<sup>۶</sup> در ۱۹۱۵، ژیلبر لازار<sup>۷</sup> در ۱۹۵۷ و شارل هانری دو فوشه کور<sup>۸</sup> در ۱۹۸۱ نام برد.

اما سنگ بنای نگارش دستور زبان فارسی به زبان فارسی، به دست میرزاحیب اصفهانی (۱۲۵۱-۱۳۱۶ هـ.ق)، مترجم و دگراندیش پرآوازه ایرانی، گذارده شد. او که به سبب هجو صدر اعظم سپهسالار محمدخان در سال ۱۲۸۳ هـ.ق برای حفظ

- 
1. William Jones (1746-1794)
  2. Alexandre Chodzko (1804-1891)
  3. Jean-Baptiste Nicolas
  4. Albert Kazimirski de Biberstein (1808-1887)
  5. Charles-Henri-Auguste Schefer (1820-1898)
  6. Antoine Meillet (1866-1936)
  7. Gilbert Lazard
  8. Charles-Henri de Fouchécour

جان به استانبول گریخته بود، در آنجا و بدون کمترین حمایتی، به فکر تدوین و آموزش دستور زبان فارسی افتاد و در سال ۱۲۸۹ ه‍.ق، بر مبنای کتابهای دستور زبان فرانسه، اقدام به تألیف دستور سخن کرد و در آن از اسم، صفت، کنایات، فعل، فروع فعل، متعلقات فعل، حروف، ادوات و اصوات به عنوان نه مقوله دستوری نام برد. میرزاحیب در ۱۳۰۸ ه‍.ق، پس از بازنگری در این اثر، ویرایش جدیدی از آن را تحت عنوان دبستان پارسی انتشار داد. او به احتمال قریب به یقین اولین کسی است که واژه «دستور» را به جای عبارت «صرف و نحو» برگزید و تا حد ممکن قواعد زبان فارسی را از صرف و نحو عربی متمایز ساخت.

غلامحسین کاشف دیگر ایرانی مقیم استانبول بود که به سال ۱۳۲۵ ه‍.ق کتاب دستور کاشف را در آنجا برای آموزش به نوآموزان زبان فارسی نوشت و در نگارش از قواعد زبان ترکی و بخشی از دستور سخن میرزاحیب بهره گرفت. دستور او دو بخش را در بر می‌گرفت: بخش اول آن در خصوص الفبا و نیز تقسیم کلمات فارسی به ده مقوله شامل اسم، ضمیر، صفت، کنایات فعل، فروعات فعل، حروف، ظروف، ادات جر، ادات عطف و اصوات بود و بخش دوم اختصاص به صرف و نحو داشت.

بعدها، میرزا علی‌اکبر نفیسی ملقب به ناظم‌الاطباء کرمانی (۱۲۶۳-۱۳۴۲ ه‍.ق) و عبدالعظیم قریب (۱۲۵۸ ه‍.ش-۱۳۴۴ ه‍.ش) کار میرزاحیب را دنبال کردند و همچنان با الهام از گرامر زبان فرانسه، در جهت تکمیل مباحث دستوری کوشیدند. علی‌اکبر ناظم‌الاطباء علاوه بر تألیف و ترجمه چندین رساله در زمینه پزشکی، در ۱۳۱۶ ه‍.ق کتاب نامه زبان آموز را در صرف و نحو زبان فارسی منتشر کرد. او در کتاب خود علاوه بر اینکه اقسام کلمه را ده گونه شمرد (اسم، صفت، کلمه اشاره، ضمیر، فعل، اسم فعل، معین فعل، کلمه موصول، کلمه غیر موصول و حرف)، برای اول بار موضوع متمم‌های مفعولی را طرح و آنها را به دو نوع بی‌واسطه و باواسطه تقسیم کرد.

عبدالعظیم قریب، به فرمان مخبرالسلطنه برای تدریس در مدرسه دارالفنون،

حاصل تجربیات خود را در چهار جلد مفصل با عنوان *دستور زبان فارسی* به رشته تحریر کشید. او که در نگارش این کتاب از گرامر زبان فرانسه تأثیر زیادی پذیرفته بود، اعتقاد داشت که چون زبانهای فرانسه و فارسی متعلق به یک خانواده یعنی خانواده زبانهای هند و اروپایی هستند، پس در دستور زبان فارسی می‌توان کلمه را همانند دستور زبان فرانسه به نه مقوله (اسم، صفت، کنایات، عدد، فعل، قیود، حرف اضافه، حرف ربط و اصوات) تقسیم کرد. در سال ۱۳۲۷ شمسی، عبدالعظیم قریب به اتفاق محمدتقی بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال همایی و رشید یاسمی، کتابی را در دو جلد برای تدریس در دبیرستانها تدوین کردند که به *دستور پنج استاد* شهرت یافت. آنها در این اثر، مباحث کامل‌تری در خصوص حالات کلمه در جمله مطرح کردند.

مقارن همین دوره، عبدالرحیم همایون‌فرخ نیز پس از قریب چهار دهه تحقیق و تفحص، کتاب *دستور جامع زبان فارسی* را در هفت جلد منتشر نمود. البته اهمیت کار او که نشان درجه یک وزارت فرهنگ را نیز برایش به ارمغان آورد، بیشتر مدیون گردآوری هزاران نمونه و شاهد از لابه‌لای آثار منظوم و منثور ادبی بود.

در سال ۱۳۳۸، محمد معین با انتشار مجموعه پنج جلدی *طرح دستور زبان فارسی*، در جهت تدوین دستور کامل زبان فارسی به شیوه علمی گامی اساسی برداشت. وی درباره محتوای این مجموعه در مقدمه آن چنین نوشت: «رسایل مذکور تنها شامل دستور زبان فارسی نیست، بلکه مشتمل بر نکات دستور تطبیقی و تاریخچه دستور زبان فارسی - یعنی تاریخ تحولات این زبان - و نکات مربوط به انشا و احتمالاً املاهای فارسی نیز می‌باشد». وسعت مطالب و تنوع مثالهای ادبی این مجموعه باعث شد که همواره در ردیف یکی از منابع اصلی برای دستورنویسان بعدی به شمار آید.

اما نخستین دستور زبان فارسی بر پایه علم زبان‌شناسی را باید دستور *زبان فارسی* (۱۳۵۱) اثر پرویز ناتل خانلری (۱۲۹۲-۱۳۶۹) دانست. او نهاد و گزاره را به عنوان دو رکن اساسی جمله معرفی کرد و نهاد را به عنوان گروه اسمی و گزاره را

داخل گروه فعلی مورد بحث قرار داد و سپس در داخل هر گروه به توصیف و توضیح تفاوت‌های صرفی و نحوی وابسته‌های مربوطه پرداخت. بسیاری از اصطلاحات دستوری (مانند نهاد، گزاره، نقش، پایه و پیرو) که امروزه در کتابهای جدید دستور زبان استفاده می‌شود، از برساخته‌های اوست.

از میان چهره‌های معاصر نیز که در عرصه دستورنویسی و طرح و گسترش مباحث علمی مرتبط با دستور زبان فارسی، کم و بیش نقش درخور توجهی ایفا کرده‌اند، باید از علی محمد حق شناس، تقی وحیدیان کامیار، احمد شفائی، محمد جواد شریعت، محمدرضا باطنی، مهدی مشکوة‌الدینی، حسن انوری، حسن احمدی گیوی، احمد سمیعی و خسرو فرشیدورد نام برد.